

مدرسه خوب سراغ دارید؟

مهرداد رحمان پور

دبیر زبان انگلیسی آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران

افزایش کمی دانش باشد همواره دنبال اعداد و ارقام و نسبت گرفتن دانش آموزان هستیم تا ببینیم آن‌ها مثلاً از A به B چقدر رشد داشتند. اگر نگاهم به این طیف تمایل دارد که یادگیری یعنی خوب حفظ کردن، احتمالاً دنبال کنندهٔ حفظیات هستیم. برگردیم به همان مطلب اول اینکه خودمان را بسازیم و افکار و عقایدمان را راجع به یادگیری - یاددهی بازنگری کنیم. ما در عالم هستی معلم تمام و کمال نداریم، اما معلم خوب زیاد داریم؛ معلمینی که سعی می‌کنند خود را بسازند و دنبال یافتن نیستند. اگر من یک معلم با اعتماد به نفس باشم دانش آموزانی با اعتماد به نفس خواهیم ساخت، اگر اهل مطالعه باشم دانش آموزانی اهل مطالعه خواهیم ساخت و...

اگر احساس می‌کنیم عصبیت و از کوره در رفتن در جامعهٔ امروز بیشتر از قبل شده می‌توانیم با تزریق شمع و شادی شهری شادتر بسازیم.

مثلاً سعی کنیم مطالب مورد تدریس را با سرگرمی همراه کنیم. مثلاً بسته به نوع درس‌مان می‌توانیم از مواد و وسایل مختلف استفاده کنیم یا اینکه یک کار ساختنی همراه مطلب به دانش آموز ارائه کنیم.

در حد امکان به آن‌ها حق انتخاب بدهیم یا اینکه اگر کاری را ساختند بگوییم می‌توانند اسمشان را پشت کار یادداشت کنند تا از استرس یا شرمندگی احتمالی آن‌ها کم کنیم. خلاصه اینکه شهر خوب، مدرسه خوب، کلاس خوب و معلم خوب به دست ما ساخته می‌شود.

۵. شریک ما هستند؛
۶. جست‌وجوگرهایی منفردند؛
۷. جست‌وجوگرهایی مستقل‌اند.

دارندگان سه نگاه اول معتقدند که این ما (معلمان) هستیم که همه‌کاره کلاسیم و صفر تا صد کلاس را باید آماده کنیم و دانش‌آموزان هم وظیفه‌ای جز اجرای فرامین ما ندارند.

و دارندگان چهار نگاه دوم معتقدند که دانش‌آموز در یادگیری نقش دارد و می‌تواند کمک حال معلم باشد و مشارکت کند در ایجاد طرح درس.

مطلب بعد اینکه نوع نگاه ما به نحوه و محتوای یادگیری چطور می‌تواند باشد و چه تأثیری بر نحوهٔ آموزش دادن ما دارد؟ گو و کمبر (Gow & Kember) این نگاه‌ها را تقسیم‌بندی کردند. آن‌ها معتقدند که این طیف می‌تواند به اشکال مختلف و ابعاد گوناگون در ذهن ما معلمین جای بگیرد.

● افزایش کمی دانش؛
● حفظ کردن؛
● کسب حقایق و اصول و به کار بستن آن‌ها؛

● درک مفهوم و معنی؛
● فرایند مفهوم‌سازی (ساختن‌گرایی) و درک حقیقت

● تغییراتی که توسط خود دانش‌آموز اعمال می‌شود.
پرواضح است که اگر من نگاهم

این روزها که تابلوهای زیادی در و دیوار و پل‌های شهر را پوشانده توجهم به آن‌ها بیشتر جلب می‌شود.

روی یکی از آن‌ها نوشته بود «شهر خوب ساختنی است نه یافتنی». به این فکر کردم که مدرسهٔ خوب هم ساختنی است نه یافتنی؛ و همچنین کلاس و معلم خوب. چه خوب می‌شد اگر ما هم خودمان را بسازیم و هم کلاس‌مان را.

به این‌که برای ساختن یک کلاس خوب به چه چیزهایی نیاز داریم زیاد فکر کردم. به نظرم رسید اولین چیزی که برای ساختن یک کلاس خوب نیاز داریم «خودمان» هستیم بله خودمان. ما به‌عنوان یک معلم سازنده شاید بهتر باشد اول خودمان را بسازیم، و این ما هستیم که با نوع نگاهمان به دانش‌آموز، به محیط یادگیری، به محتوای و نحوهٔ یادگیری می‌توانیم جریان ساختن را شروع کنیم.

باید باور کنیم نگاه ما به دانش‌آموزان، به قول رونالد میگان (۱۹۹۰) می‌تواند یک یا چند مورد از نگاه‌های زیر باشد؛ یعنی معتقد باشیم که دانش‌آموزان:

۱. در مقابل یادگیری مقاومت می‌کنند؛
۲. ظروف آماده یادگیری هستند؛
۳. مواد خام‌اند؛
۴. مشتری‌اند؛

